

گئو ویدن گرن

جانمایه ایرانی

از آغاز تا ظهور اسلام

ترجمه

شهناز نصرالهی

- | | |
|---------------------|---|
| سرشناسه | : ویدن گرن، گئو، ۱۹۹۶-۱۹۰۷ م. |
| عنوان و پدیدآور | : Widengren, Geo |
| مشخصات نشر | : چانمایه ایرانی: از آغاز تا اسلام / گئو ویدن گرن؛ ترجمه شهناز نصراللهی |
| مشخصات ظاهری | : آبادان: پُرسش، ۱۳۹۵ |
| شابک | : ۳۶۸ ص-- |
| وضعیت فهرست نویسی | : ۳-۲-۰۰۲-۲۶۵-۶۰۰-۹۷۸ |
| یادداشت | : فیپا. |
| یادداشت | : عنوان اصلی: Iranische Geisteswelt |
| موضوع | : کتابنامه. |
| موضوع | : ایران -- دین -- مآخذ |
| شناسه افزوده | : ایران -- تاریخ -- پیش از اسلام -- اسناد و مدارک |
| رده بندی کنگره | : نصراللهی، شهناز، مترجم. |
| رده بندی دیویی | : ۱۳۹۵ ج ۹ / ۹۰۹ / BL۲۲۷۰ |
| شماره کتابشناسی ملی | : ۲۰۰/۹۵۵ |
| | : ۲۶۳۸۸۴۰ |



نشر پرسش
گنو ویدن گرن
جانمایه ایرانی
از آغاز تا اسلام

● ترجمه شهناز نصرایی

● آماده‌سازی: کارگاه پرسش ● لیتوگرافی: سروش ● چاپ فرزانه

● چاپ اول: ۱۳۹۵ ● شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

شابک: ۳-۰۰۲-۲۶۵-۶۰۰-۹۷۸

© حق چاپ محفوظ است.

نشر پرسش - آبادان - پریم - میدان آلفی - ساختمان ارونند - تلفن ۳۳۳۵۰۲۵
نشانی مکاتبات پستی: نشر پرسش - اصفهان - صندوق پستی ۳۱۶ - ۸۱۷۳۵

E-mail: porsesh.pub@Gmail.com

info@porsesh-pub.com

www.porsesh-pub.ir

قیمت: ۲۷۰۰۰ تومان

فهرست مطالب

۱۱	پیشگفتار مترجم
۱۵	پیشگفتار
۳۷	فصل اول: تصویر جهان
۴۴	اقلیم‌های اسطوره‌ای زمین
۴۵	گردش اجرام آسمانی
۴۷	روزنه‌های روشنائی
۴۹	فصل دوم: سرزمین‌ها و اقوام
۵۳	مردمان و آفریدگانِ سرزمین‌های گوناگون
۵۹	فصل سوم: کلان‌کیهان کبیر - خُردکیهان
۶۲	تن مردمان بسانِ گیتی
۶۷	آفرینش از تن خداوند
۶۸	آفرینش گیتی
۷۱	از بندهش
۸۰	دربارهٔ آفرینش تن‌مند
۸۴	کشتن گاو نخستین و مرد نخستین
۸۶	تاختن اهریمن بر گاو نخستین و مرد نخستین

۸۷	کشتن مرد نخستین.....
۸۸	پیدایش نخستین جفت مردمان.....
۸۹	ده گونه مردمان.....
۹۱	فصل چهارم: مذهب زروانی
۹۶	ایسیده و اُسیریده.....
۹۸	خدای زمان و اسطوره او.....
۹۹	مجادله مسیحیان و مغان بر سر دین زروانی.....
۱۰۲	آمیختن روان پاک و روان پلید.....
۱۰۶	جیه (هوره) دیوسان و گمراهی از سوی زنان.....
۱۰۷	گمراهی از سوی زنان.....
۱۰۷	فرجامین پیکار.....
۱۰۹	تقدیرباوری و تردیدها.....
۱۱۰	پیشگفتار برزویه طیب بر کلیله و دمنه.....
۱۱۹	تقدیرباوری در ادبیات حماسی.....
۱۱۹	فصل پنجم: نیایشگاه
۱۲۱	خدایان کارکرد نخستین: اهورامزدا.....
۱۲۷	خدایان کارکرد نخستین؛ مهر.....
۱۴۰	خدایان کارکرد دوم: وای.....
۱۴۷	خدایان کارکرد سوم: آناهیتا.....
۱۵۱	فصل ششم: زرتشت
۱۹۳	فصل هفتم: فرجام شناسی
۱۹۵	فرجام زمان و رهایی بخش بر پایه نوشته های اوستایی.....
۱۹۸	فرجام شناسی ویژه و منحصر به فرد اوستا.....
۲۰۰	سرنوشت پرهیزگاران پس از مرگ.....
۲۰۶	اندیشه های مربوط به گذرگاه دادگری.....
۲۰۷	پل چینود و روان درگذشتگان.....

۲۱۱	آموزه‌های رستاخیز باور.....
۲۱۴	زرتشت دین را می‌پذیرد.....
۲۲۵	فرارسیدن آشکاری چه زمان به درازا می‌کشد؟.....
۲۲۶	فرجام زمان.....
۲۲۸	فرجامین نبردها و فرمانروایی هزارساله.....
۲۲۹	دیدگاه‌های تاریخی درباره رستاخیز بر مبنای بُندهش.....
۲۴۰	درباره آن پلیدیها که در هزاره‌های گوناگون بر ایران‌شهر بود.....
۲۴۷	رستاخیز تن.....
۲۴۸	رستاخیز و تن پسین.....
۲۵۴	باورهای فرجام‌شناختی ایرانی در فراسوی مرزهای ایران.....
۲۵۶	فرجام‌شناختی ایرانی مکاشفات هیشتاسپ.....
۲۵۸	میلاد رهایی‌بخش.....
۲۶۰	ستاره‌ای در خاور و زاده شدن رهایی‌بخش.....
۲۶۳	سفری به بهشت و دوزخ.....
۲۶۴	ارداویراف برگزیده می‌شود و روانش بر آسمان می‌رود.....
۲۶۷	سفر ارداویراف به جهان دیگر.....
۲۷۲	رود اشک.....
۲۷۲	سفر ارداویراف به دوزخ.....
۲۷۵	فصل هشتم: سیاست دینی.....
۲۷۷	اصل شکیبایی سیاست دینی هخامنشیان.....
۲۷۸	فرمان کوروش و داریوش.....
۲۸۰	فرمان شاهنشاه کوروش اول به گاداتاس.....
۲۸۱	اصل ناشکیبایی سیاست دینی عصر ساسانی.....
۲۸۳	فصل نهم: گنوسیسم ایرانی.....
۲۸۹	گنوسیسم ایرانی در عصر پارتها.....
۲۹۸	انسان و پادشاه نخستین: جم.....

۳۰۴	جم آن جایگاه گوناگون، ورا را بنا کرد.
۳۰۳	پدر جم هوم را می آمیزد
۳۱۰	جم جهان شهریار
۳۱۱	جم سه بار قره تابناک را از دست می دهد.
۳۱۲	گناه جم.
۳۱۳	زن گرفتن جم.
۳۱۵	سرنوشت جم
۳۱۵	فرمانروایی ضحاک
۳۱۷	فصل دهم: پادشاهی
۳۲۱	افسانه های پادشاهی عصر هخامنشی
۳۳۱	افسانه های پادشاهی عصر پارتها
۳۳۲	افسانه پادشاهی عصر ساسانی
۳۳۹	آییننامه شاهی در عصر ساسانی
۳۳۹	فتودالسم و اندیشه فتودال
	فصل یازدهم
۳۴۱	تاریخ دین زرتشتی
۳۴۴	پذیرفتن دین از کاوه وشتاسب
۳۴۷	سرگذشت دین زرتشتی
۳۴۸	تاریخ نگاری عصر ساسانی
۳۵۱	منابع کتاب
۳۶۴	نمایه کتاب

پیشگفتار مترجم

کتابی که پیش رو دارید، دربرگیرنده آن مایه از عناصری است که دست به دست یکدیگر داده‌اند و به باورهای دینی ایرانیان در بلندای تاریخ پرفراز و فرودشان جان بخشیده‌اند.

آنجا که سخن از اقوام، ملت‌ها و سرزمین‌ها به میان می‌آید، به راستی یافتن مو به موی آنچه این پیکرها و اندرونها را به هم پیوند داده و جان آنها را از گذارها و دالانها و عرصه‌های پرتلاطم تاریخ از دل بحر آنها و نبردها به جانب فرداهای تاریخ رانده، اگر نه ناممکن، اما کاری بس دشوار است.

آنچه جان ملت‌ها را می‌سازد، برآیند تمامی لحظه‌های شکیبایی و خروش آنان در برابر جهان است. طبیعت، حکومت‌ها و جنگ‌ها چه بر سر جهان‌نگشایی و سلطه‌جویی و خواه برخاسته از کشمکش‌های مذهبی و آیینی بی‌شک چونان سیلابی پیشگیری‌ناپذیر باورهای کهن را رفته و باورهایی نو و دیگرگونه را به جان آیندگان آن ملت‌ها تزریق کرده‌اند. آنچه از میان این طوفانها و سیلابهای عظیم جان به در برده و در هیئت میراث مکتوب گذشتگان برجای مانده، بسان آینه‌ای است که گذشته را پیش روی آیندگان عیان می‌نماید تاریخ‌ها و بازتابهای خویش را در آن بنگرند. این میراث مکتوب وقتی نخستین ریشه‌هایش در اساطیر جان گرفته باشند بی‌تردید باید در پی ژرفترین پُرسش‌ها برای یافتن روستترین پاسخ‌ها بود.

آن رنگ‌ها که در جهان پُر رمز و راز اساطیری نهفته است، نقاب چهره خود را به آسانی بر انسان مدرن امروزی که از طبیعت راستین خود قرن‌ها و هزاره‌ها دور شده است، نمی‌گشاید. روایتی که خود از غربال اسطوره گذشته است چون پرده‌های جان، هزار تویی بی انتهاست و یافتن سر رشته‌هایش کاری بس نفسگیر. زایش اندیشه از دامن اسطوره از ورای جانِ مردمانی می‌آید که خود را مقهور تمامی نیروهای پیدا و پنهان طبیعت می‌شمارد و می‌کوشد با بستن هاله‌ای مقدس برگرداگرد تمامی نمودهای جهان پیرامونش و با پرستش و ستایش آنچه در نظرش سهمگین، شکست‌ناپذیر یا برآورنده نیاز او به امنیت خاطر است، خود را با آن همساز کرده و بر ترسهایش فائق آید و یا پاسخی برای پرسش‌های خویش بیابد.

اما آنجا که پای تاریخ به میان می‌آید، سخن از آن است که: "آنچه بوده چگونه بوده است؟" و "از چه رو چنان شده؟" و "سرانجام به کجا رسیده است؟" و برای این منظور هیچ چیز به قدر شکافتن همان میراث مکتوب گره‌گشای نیست. مرز اسطوره و رخداد‌های تاریخی باریکتر از پوست و آمیختن این دو با یکدیگر در کتیبه‌ها و سنگ‌نبشته‌ها نشان می‌دهد که اسطوره همچون اثری است که مادر آن شناوریم و ریشه‌های باور ما تا ژرفای بی‌نهایت در این سپهر اسطوره‌ای پراکنده است.

این کتاب می‌کوشد با کنکاشی در متون بازمانده از دوران پیش از اسلام در ایران راهی به سوی نهاد ایرانیان بجوید. کتاب را "جانمایه ایرانی" نامیده‌ام زیرا آن چیزی که امروز در جهان درون ایرانیان می‌گذرد هیچ‌گاه در طول تاریخ جدای از باورهای دینی نبوده است و چیزی که در مفهوم "Geisteswelt" یعنی "جهان معنوی" نهفته است شاید از نگاه یک پژوهشگر غربی فاصله میان باورهای مذهبی و باورهای مبتنی بر خردورزی (جهان اندیشه) را نشان دهد، اما جان ایرانیان تا ژرفاهای دور آمیخته به عناصر معنوی است که در تمام مسیر تاریخ دیرینشان با آنان همراه بوده است. از این رو "جانمایه" را در اینجا هم به معنای "عصاره" و "چکیده" و هم به معنای آن "دَم حیاتبخشی" در نظر گرفته‌ام که در

بقای اندیشه ایرانی نقش داشته‌اند و بی‌بودن پیدای و نهان آنها در تمامی این مسیر بلند شاید چشمه‌های این خردِ جوشان دیربازی پیش از این خشکیده بود. آن دمِ حیاتی که در آنان دمیده شده و جزئی جدایی‌ناپذیر از ماهیتِ حیاتِ معنوی و اندیشهٔ آنان گشته است. حیاتی وابسته به ریشه‌هایی در دوردست‌های زمان.

شهناز نصراللهی

مهرماه - ۱۳۹۴

پیشگفتار

الف. تاریخ اندیشه ایرانی، آن گونه که از چکیده‌های آتی برگرفته از ادبیات دوران گذشته آشکار می‌شود، دست‌آورد اقوام و طوایفی است که حدود سال ۱۵۰۰ پیش از میلاد از شاخهٔ بزرگ هندوایرانی جدا شده و به صورتی قومی جدا یعنی قوم آریایی موجودیت تاریخی پیدا کرده است. این گسستگی عناصر قومی ایرانی و هندی را تا حد زیادی می‌توان به درستی تاریخ‌نگاری کرد، زیرا در زمانی که در خاور نزدیک، پادشاهی میتانی در حدود سال ۱۷۰۰ پیش از میلاد پایه‌گذاری شد، این جدایی هنوز صورت نگرفته بود. در نبردهای (ارابه‌ای) فتودلهای سرزمین میتانی به نامهای آریایی برمی‌خوریم، نامهایی که می‌توانند هم هندی و هم ایرانی باشند.

طوایف ایرانی خود گرچه می‌توانند به صورت یک قوم بررسی شوند، اما از لحاظ سیاسی هرگز موفق نخواهیم شد آنها را در ساختاری دولتی جمع کنیم زیرا فراگیرترین یکپارچگی سیاسی در زمان داریوش اول (حوالی سال ۵۰۰ میلاد) رُخ داده است.

با این همه گروه‌های زیر قابل تمایزند:

۱. اقوام شمالی ایران، شامل سکاهای^۱، سرمت‌ها^۲ و آلانها^۳ که پیشتر در جنوب روسیه و قزاقستان — جایی که امروزه بازماندگان ایشان یعنی اُست‌ها^۴ را

1. skythen

2. sarmaten

3. Alanen

4. Osseten

می‌بینیم — زندگی می‌کردند.

۲. اقوام شرقی ایرانی، شامل اقوام مختلفی که حوالی دریای آرال می‌زیستند. زرتشت که پایه‌گذار شناخته شده‌ترین آئین ایرانی یعنی زرتشتی بود از میان این اقوام برخاست. آئینی که امروزه نیز هنوز چه در ایران و چه در هند زنده است و به نام پارسی‌گروی مشهور است. در زمانهای بعد اقوام سُغدی^۱، سکایی^۲ و خوارزمیان^۳ از لحاظ سیاسی و فرهنگی برجسته‌اند. پارتها^۴ که کارهای زیربنایی‌شان در نواحی غربی پابرجاست، از شرق ایران برخاستند. ۳. اقوام غربی ایرانی، شامل ماده‌ها^۵ در شمال غربی ایران و پارسها در جنوب غربی ایران، می‌توان فرض کرد که اقوام ماد و پارسی پیش از سال ۱۰۰۰ ق.م از نواحی قزاقستان به غرب ایران کوچ کرده و در همانجا ساکن شده‌اند.

زبانهایی که این اقوام بدانها سخن می‌گفتند را می‌توان بر اساس مناطق جغرافیایی محل سکونتشان دسته‌بندی کرد؛ در درون هر گروه نیز علاوه بر این باید قشر ایرانی باستان، ایرانی میانه و ایرانی نوینی را در تحول زبانی در نظر داشت، البته این سطوح در همه‌جا شناخته شده نیستند.

مهمترین زبانها و گویش‌ها بدین ترتیب‌اند:

اوستایی؛ یک زبان شرقی ایران باستان که زرتشت برای ابلاغ پیامهایش به کار می‌برد.

پارسی باستان؛ یک زبان شرقی ایران باستان که سنگ‌نبشته‌های شاهان ایران باستان به آن نوشته شده‌اند.

پهلوی؛ یک زبان غربی میانی ایرانی. در اینجا دو گویش قابل تشخیص‌اند: پهلوانیک؛ زبان شمال غربی که پارتها به کار می‌بردند و پارسیک که زبان جنوب غربی بوده و پادشاهان ساسانی استان پارس آن را به کار می‌برده‌اند، یکی از بازماندگان زبان پارسی باستان سنگ‌نبشته‌های هخامنشی.

1. Sogdisch

2. sakisch

3. warizmisch

4. Parther

5. Meder

سُغدی؛ زبان ایرانی غربی، میانه، بازمانده‌ای مستقیم از زبان اوستایی، که زبان سُغدیهای ساکن میان اکسوس^۱ و جاخارتس^۲ بود که به تدریج زبان ادبی از آن شکل گرفت.

اُستی؛ گویش‌های بازمانده نوین اقوام شمالی ایرانی در جنوب روسیه و قزاقستان، که در شکل باستانی خود تنها در قالب عناصر اسمی به حیات ادامه می‌دهند.

پارسی نوین؛ پارسی امروزین برگرفته از پارسیک، یک زبان ادبی صیقل یافته که در خود عناصری از گویش‌های مختلف ایرانی به‌خصوص پهلوانیک را جای داده است.

منابع ما برای تاریخ اندیشه ایرانی در روزگاران گذشته پیش از سلطه اسلام در اواسط قرن هفتم پس از میلاد اصولاً جوهره‌ای دینی دارند. در کنار آنها دیگر آثار خاص ادبی به‌ویژه سنگ‌نبشته‌های شاهی، ادبیات حکیمانه، ادبیات حماسی، رمانهای تاریخی و... نیز مورد توجه بوده‌اند.

جانمایه اندیشه ایرانی در موارد خاص تنها خارج از حیطه زبان ایرانی قابل فهم است و بایست به منابع غیرایرانی و پیش از هر چیز به آثار کلاسیک ارمنی، سوری و عربی اعتماد کنیم.

مهمترین منابع و مأخذ بومی به‌شرح زیر هستند:

اوستا، نوشته مقدس آئین زرتشتی که همچنان پابرجاست و همان‌گونه که اشاره شد، امروزه "پارسی‌گروی" خوانده می‌شود، زیرا که بیشترین طرفداران خود را در هند در میان به‌اصطلاح پارسیان دارد. اوستای امروزی تقریباً دربرگیرنده یک چهارم مجموعه اصلی است. اوستا شکل پیشرفته کلمه فارسی میانی اسپتاک^۳ (به‌معنای جدال‌آمیز: "دلیل" یا "فرمان" است. اوستای موجود شامل بخش‌های زیر است)

۱. یسنا: این واژه به معنای "پیشکش" و "ستایش" است. کتابی است شامل مجموعه متونی که مربوط به آئین‌های پرستش خداوند نزد زرتشتیان است. در یسنا سرود-آوازه‌های خود زرتشت، "آموزه‌های آهنگین" او که در هفده گاهان به گویشی کهن نوشته شده‌اند محور قرار گرفته‌اند.
۲. یشت‌ها^۱: آوازه‌های مراسم پیشکش، که برای ارج نهادن به خدایان گوناگون سروده شده‌اند.

شمار آنها به سی می‌رسد، اما بسیاری از آنها از میان رفته‌اند و تعداد اندکی از آنها سروده‌های اصیل کهن هستند. این کهن‌ترین سروده‌ها به یکی از زبانهای متفاوت با گویش‌های گاهان اما به همان اندازه کهن، نوشته شده‌اند. کهن‌ترین بخش‌های یشت‌ها به احتمال بسیار، قدیمی‌تر از گاهان و البته کاملاً مستقل از آنها و بیانگر محیطی متفاوت هستند.

۳. وید یوداد^۲: که غالباً و به اشتباه به صورت سنتی به نام "وندیداد" خوانده می‌شود. و در واقع مجموعه‌ای از دستورات دینی است. اما در این مجموعه اسطوره‌ها و افسانه‌های مهم باستانی نیز یافت می‌شوند.

بخش‌های گمشده اوستا را خوشبختانه تا حد زیادی می‌توان بازسازی کرد، زیرا نوشته‌های جدید زرتشتی در چکیده‌های متون اوستایی به زبان پهلوی (در اینجا بیشتر پارسیک مدنظر است) اشاره دارند و یا دست‌کم به آن رجوع کرده و آن را به کار برده‌اند.

این پهلوی-نوشته‌ها، غالباً بعدها- در قرن نهم پس از میلاد- به نگارش درآمده‌اند، اما بیشتر انگار اصلاح شده کتب قدیمی هستند و به هر حال همان گونه که گفته شد، عناصر اولیه بسیار قدیمی‌اند. این نوشته‌ها، که برای جانمایه اندیشه ایرانی اهمیت به‌سزایی دارند در نوشته حاضر به وفور مورد استفاده قرار می‌گیرند، از این رو در ادامه به مهمترینشان اشاره می‌کنیم:

۱. بنداهیشن^۱ (پایه‌ریزی آفرینش)، چکیده‌ای هستی‌شناختی است که به بخش‌های گمشده اوستا بازمی‌گردد. بنداهیشن مربوط به میراث مکتوب آئین و اندیشه‌های زرتشت است، اما خواهیم دید که محتوای آن تنها در مقوله دین نمی‌گنجد و به عنوان مثال حتی جانورشناسی، گیاه‌شناسی، پزشکی، جغرافیا و چیزهایی از این دست را نیز شامل می‌شود.

۲. دینکرد^۲ ("کاردین") فرهنگنامه‌ای است با محتوایی درهم آمیخته. این نوشته به تفصیل به یادآوری و گزارش متون اوستایی گمشده می‌پردازد، اما متأسفانه به زبانی که با اطمینان اندکی می‌توان آن را ترجمه کرد. در کتاب هفتم می‌توان افسانه‌های مهم زرتشت^۳ را یافت، زندگینامه بزرگترین بنیانگذار دین را که پردازشی نثرگونه و ساسانی از متنی منظوم و در اصل اوستایی است.

۳. بهمن‌یشت، کتابی با پیشگویی‌های آخرالزمانی که آخرین بخش‌های آن از یک رساله گمشده اوستایی مایه گرفته و حال با تغییرات بنیادی در روزگار ساسانی پیش روی ماست.

۴. آیاتکار ژاماسپیک^۴، کتابی آخرالزمانی به فارسی میانه با بخش‌هایی اسطوره‌ای - جغرافیایی.

۵. مینوی خرد^۵ (جان خرد)، چکیده‌ای در پاسخ به پرسشی‌هایی پیرامون آموزه‌های زرتشتی.

۶. پندنامه (کتاب اندرزنامه زرتشت)، پُرسشنامه‌ای مذهبی ساسانی، که در قالبی مختصر عقاید زرتشتی را ارائه می‌دهد.

۷. ارداویرازنامه^۵ کتابی است که درباره سفری به آسمان و دوزخ خبر می‌دهد که از جانب پرهیزگاری به نام ارداویراف صورت گرفته است. نوشته متعلق به زبان ساسانی است اما بسیاری از عناصر آن بی‌شک بسیار کهن‌ترند.

1. Bundahišn

2. Dēnkart

3. Ayātkār i Žāmāspik

4. Mēnōk i Xrat

5. Ardāi virāz Nāmāk